درگزارش از گفتگو با کارشناسان و مسئولین پیرامون پرونده اعظم زنی که در مشهد مورد خشونت خانگی واقع شد:

جامعه ما هم اکنون میراث‌دار یک توسعه نامتوازن است

مهلا کاشانی

پرونده خبری این شماره صوراسرافیل به اعظم و فرزندان بی‌پناهش اختصاص دارد. زنی در آستانه سی سالگی که این روزها از همه‌جا، خبر خشونت بی‌رحمانه‌ی همسرش که طی بیست و یک روز به آنها روا داشته را شنیده‌ایم. مخلوقی که خود را صاحب اختیار تام زن و فرزندش می‌داند و این اجازه را برای خود صادر می‌کند؛ تا حق تحصیل را از کودک هشت ساله خود سلب کند. خود را مختار می‌داند که به سبک دلخواه با زنش رفتار کند. زنی که با امید و آرزوی ورود به یک زندگی آرام، در سنین جوانی؛ در بی‌خبری همگان از حال و اوضاعش، خود را یکه و تنها با دو دختربچه‌ی پنج و هشت ساله؛ میان بیغوله تاریک مرد زندگی‌اش یافت.در ادامه به ترتیب گفت‌وگوهایی را می‌خوانید که روشنگر جزییات این حادثه است.

از نظـر جرم‌شناسـی، از دیدگاه اقلیمی، مکان‌هایی کـه دارای آب و هوای گرم و خشک هستند، خشونت بیشتری در آن دیده می‌شود و استان‌هایی که زمینه مذهبی بالاتری دارند و در مجاورت کشـورهای دیگر قرار دارند، با این مساله مواجه هستند. مقصر این مساله بهزیستی نیست. عواملی که هست باعث می‌شود خشونت‌هایی دیده شـود. در استان‌های مرطوب جرایم محیلانه مثل تبهکاری زیاد است، که نیازی به آمار و مستندات ندارد، بلکه از دیدگاه جرم‌شناسی، در تمام دنیا پذیرفته شده است.

خشونت آسیب شایع همه استان‌ها

باتوجه به اینکه مشـهد شـهری اسـت که فاصله بسـیار کمی با افغانستان دارد و خشـونت‌های خانگی و خشـونت به زنان و کودکان در اسـتان خراسان کم نبوده است، آیا بهزیستی راهکارهای سیاست کیفری را در پیش دارد که بتواند برای کاهش میزان خشونت‌ها و تعداد خشونت‌ها کاری انجام دهد؟ این سوال صوراسرافیل از دکتر حمیدرضا پوریوسف؛ مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی است، وی ضمن ابراز مخالفت با این موضوع می‌گوید: در خصوص چنین امری، دلیل مسـتندی در دست نیست. ارتباط به مرز و وضعیت جغرافیایی ندارد. در عین حال، بهزیستی در حال پیگیری‌های آسـیب‌های اجتماعی است و یکی از آسیب‌های اجتماعی در کل کشور، من جمله استان خراسان رضوی، بحث اعتیاد، طلاق و خشونت است، که در جامعه بسیار شایع است و تنها میزان آن در استان‌ها متفاوت است.

ایفای نقش به هنگام اورژانس اجتماعی خراسان

مدیر کل بهزیستی خراسان روضوی همچنین عنوان می‌کند: بهزیستی با تیم‌ها و اورژانس اجتماعی و مداخله در اموری از این قبیل، تا جایی که می‌تواند، سعی بر نقش آفرینی پررنگ دارد. بحث مشاوره تلفنی داریم که در کل کشور فعال هست و سالیانه حدود ۳۰ تا ۳۵ هزار تماس تلفنی به این سامانه می‌شود. بخشی از این مشاوره‌های تلفنی، شامل خشونت‌ها و ارایه راهکارهایی است که، خانواده‌ها را از این بحران خارج کند. تلفن ۱۲۳ شماره اورژانس اجتماعی استان است که برای بهبودبخشی به مسایل کوکان و زنان پاسخگو است.

وی همچنین می‌گوید: شـش تیم سـیار در شهر مشـهد داریم که با حضور در صحنه‌هایی که نیاز به مداخله و حضور اسـت، به امور اجتماعی رسیدگی می‌کنند. قاعدتا این‌گونه فعالیت‌ها باید با نیابت قضایی انجام شـود، که خوشـبختانه در این زمینه، همکاران قضایی ما همکاری لازم را دارند. نیروی انتظامی و با مجوز قاضی وارد مکان‌های بسته می‌شوند و تلاش می‌کنند که جلوی این خشونت‌ها گرفته شود و در مواقع خشونت مداخله به هنگام داشته باشند.

خوشبختانه نیازی به بستری شدن دختران نبود

مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی در ادامه نیز عنوان می‌کند: اعظم یکی از موارد شاخص این قضیه است، که ۱۹ فروردین ماه، مورد این خشونت واقع شده. این خانم به همراه دختران ۵ و ۸ سـاله‌اش به بیمارسـتان امدادی مشهد مراجعه می‌کنند و بیمارسـتان به حکم پروتکل و وظیفه‌ای که دارند مواردی اینچنین را به ما گزارش می‌دهند؛ دستور مداخله به موقع و حضور صادر شد و نیروها شروع به انجام مداخلات کردند. اعظم نیاز به بستری شدن چند روزه داشت؛ اما دختران نیاز به بستری شدن نداشتند و در بهزیستی نگهداری شدند و مورد درمان‌های روانشناختی و سرپایی قرار گرفتند. دکتر پوریوسف در رابطه با وضعیت اولیه اعظم و فرزندانش می‌گوید: باتوجه به حساسیت موضوع، ارتباط مادر و کودک را قطع نکردیم و تصمیم گرفتیم که در یکی از مکان‌های بهزیستی اعظم و بچه‌هایش را تحت مراقبت اسکان قرار دهیم. در حال حاضر، این مادر و فرزندانش در اسکان بهزیستی نگهداری می‌شوند و یکسری درمان‌های روانشناختی برایشان انجام می‌شود. همین‌طور از طریق گرفتن مشاوره‌های حقوقی، با وکلایشـان در ارتباط هستند. دوستان در انجمن‌های حقوق زنان بر این قضیه ورود پیدا کردند و مشـاوره‌های حقوقی خـود را ارایه می‌دهند. پرونده‌اش در دادگاه پیگیری می‌شود. برخلاف اینکه اختیارات برای مداخله کم است، نهایت تلاش را برای رفع این مساله انجام دادیم.

ورود به موقع کانون وکلا وصیغه را تبدیل به بازداشت موقت کرد

وی در پاسخ به سوال ما مبنی بر اینکه آیا بهزیستی برای افزایش میزان وصیغه این مرد اقداماتی انجام داد عنوان می‌کند: این مرد بر علیه همسر و فرزندانش این جرم را انجـام داده بود و برای آن، وصیغه ای ۱۵ میلیون تومانی در نظر گرفته بودند، که خوشبختانه با ورود به موقع کانون وکلا و انجام هماهنگی‌های لازم، وصیغه شوهر اعظم به بازداشت موقت تغییر کرد.

دکتر پوریوسف همچنین عنوان می‌کند: با این وضعیتی که در استان حاکم است و وکلا به این موضوع حساس شده‌اند، فکر می‌کنم که در این مورد سیستم قضایی رایی را صادر خواهد کرد که زیبنده باشد. ما سعی داریم اسباب مورد نیاز را برای این که قاضی رای عادلانه‌ای صادر کند، فراهم کنیم.

آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی با هدف انگ‌زدایی

صوراسرافیل می‌گوید: استان خراسان در خیلی از ابتکارات در مورد آسیب‌دیدگان انجام داده است و ما در استان، مجموعه‌ای را به نام آرشیا شناسایی کرده‌ایم که شرط اسـتخدام در آن، داشتن سوءپیشینه است. خراسان در سیاست کیفری پیشرو بوده است. اینکه در کلان‌شهری مانند مشهد چنین حرکتی انجام شده است، بسیار جای امیدواری است. از آنجا که کادرمانی بهترین روش برای رفع آسیب‌های اجتماعی است؛ آیا بهزیستی قصد دارد برای تداوم به چنین حرکاتی، کاری انجام دهد؟

پوریوسـف در پاسخ می‌گوید: در اسـتان خراسان رضوی در بخش آسیب‌دیدگان اجتماعی، سـاماندهی زنان را داریم که به‌طور کلی مطرح اسـت. توانمندی زنان در مرکزی بزرگ و با ظرفیت ۹۰ نفر؛ تمام منظوره مختص زنان آسیب دیده است، که با توجه به تشـخیص کارشناسـان از یک ماه تا دو سال در این مرکز حضور و اقامت دارند، تا با کسـب آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی، خانواده‌های خود را برای پذیرش مجـدد آماده می‌کنند. ما قصد داریم که این انگ‌زدایی انجام شـود. گاهی هم در این مراکز ازدواج‌هایی صورت می‌گیرد. کسـی که خواسته و ناخواسته انگ را با خود حمل می‌کند و باعث آسـیب‌های مضاعف از قبیل کاهش اعتماد به نفس و کاهش ویژگی‌های درونی انسانی است. در این مرکز سعی بر این است که با آموزش مهارت‌های اجتماعی به چنین زنانی؛ به یافتن اعتماد به نفس در درونشـان، کمک شود. همین‌طور از میزان این انگ در وجود خود بکاهند. اشتغال‌زایی و حرفه‌آموزی به صورت ساماندهی شده با خانواده‌ها ارتباط برقرار کنند.

تشکیل کلونی مخصوص آسیب‌دیدگان اشتباه است

وی در این رابطه ادامه می‌دهد: باید قبول کنیم که قرار نیست که هر کس دچار آسیب شد، از جامعه ایزوله شود. نباید درگوشه‌ای از شهر تشکیل کلونی داده شود تا این افراد تنها با خودشان ارتباط برقرار کنند. سیاست‌های بهزیستی باید افزایش مراکز کار و اشتغال باشد که این افراد با اجتماع قطع رابطه نکنند؛ بلکه باید رفتارها به گونه‌ای باشد که این‌ها واکسینه شوند. نمی‌شود جامعه را خالی از افراد آسیب دیده کرد. بلکه افراد عادی باید ایمن‌سازی شوند تا دچار مشکل نشوند.

نیازهای مالی اولین موضوع مطرح شده پس از فاصله از آسیب‌ها

در اینجا سوالی پیش می‌آید که آیا کارفرمایان حاضر هستند، افراد آسیب‌دیده را با نیروهای انسانی عادی خود در کنار هم قرار دهند؟ که مدیرکل سازمان بهزیستی مشهد در این رابطه پاسخ خود را اینگونه ارایه می‌دهد: در واقعیت برای کارفرما چنین چیزی مطلوب نیست، اما وقتی افراد یک مرحله از آسیب فاصله می‌گیرند، نیازهای مالی است که مطرح می‌شود، باید کاری کنیم که افراد به اندازه‌ای توانمند شوند که پذیرش آنها برای کارفرما راحت‌تر باشد و کارفرما نیز برای جذب چنین افرادی از خود تمایل نشان دهد. ریسک بالا را تحمل نکند. نظر ما مبنی بر این است که این بانوان آسـیب‌دیده زمانی را زیر نظر قرار گیرد و دوران توانمندی را سـپری کرده و سپس به اشـتغال بپردازد. این افراد که تعلیم دیده هستند با نظارت مددکار در کارخانه‌ها به‌طور گروهی مشغول فعالیت هستند.آخرین وضعیت اعظم از زبان مدیرکل سازمان بهزیستی خراسان رضوی: شوهرش در بازداشت به سر می‌برد. اعظم و دختران نیز در یکی از مراکز اسکان، زیر نظر مراقبت‌های شبانه‌روزی است. خوشبختانه آسیب مغزی ندیده است و باید ترمیم‌هایی روی صورتش انجام شود و دخترها هم وضعیت بهتری نسبت به روزهای اول دارند.

اعظم در آستانه مرگ

مرضیه محبی مدیرعامل کانون زنان حقوقدانان سورا و وکیل پایه یک دادگستری در رابطه با این زن بزه‌دیده و فرزندانش و اولین دیدارش با اعظم می‌گوید: لحظه اول که اعظم وارد شد به شدت آسیب دیده و در آستانه مرگ بود، در این راستا تمهیداتی انجام شد و به مراکز بهزیستی سپرده شد تا از او نگهداری شود. همین‌طور شکایتی تنظیم و به دادسرای ناحیه ۴ مشهد رسید. شکایتی از جانب این زن و فرزندانش، که به اتفاقات رخ داده در آن به تفصیل پرداخته شد.

این عضو کانون وکلای خراسـان رضوی عنوان می‌کند: پس از اینکه برای آزادی این مرد وصیغه‌ای بیست میلیونی در نظر گرفته شد، مطلع شدیم که اطلاعاتی که در اختیار بازپرس پرونده قرار داده شده است، اطلاعاتی ناقص بوده، بنابراین قرار کفالت برای بچه‌ها صادر شده بود و چون از اوضاع و احوال باخبر نبودند، با گمان اینکه جرم ساده‌ای انجام شده وصیغه‌ای ۲۰ میلیونی را برای این مرد مد نظر قرار دادند. سپس با اطلاع‌رسانی توسط وکلای مربوطه، آقای دادستان با تحقیقاتی مقدماتی، قرار تشدید را صادر کردند. بنابراین بازپرس پرونده در شعبه ۴۰۳ برای شنیدن اظهارات اعظم حاضر شد و بنده هم همراهش بودم، جلسه‌ای ۴ ساعته تشکیل شد و آقای بازپرس با دقتی تمام و صبر و حوصله اظهارات اعظم و همه شرح ماوقع را ثبت کردند. در حال حاضر هم منتظر این هستیم تا ببینیم پزشکی قانونی، در مورد ضایعاتی که روی بچه‌ها انجام شده چه نظری خواهد داد. محل توسط بازپرس بررسی شده و تحقیقات و بازجویی انجام شده و همچنین تحقیقات محلی نیز در این زمینه انجام شده است؛ تا از پس آن، حکم متهم صادر شود و به دادگاه برود.

وی با اشـاره به اینکه دکتر خوراشـادی‌زاده رییس کانون وکلای استان خراسان رضوی به این سازمان مردم نهاد قول همکاری در همه زمینه‌های لازم را داده است، عنوان کرد: اتهاماتی که متوجه این آقا است شکنجه، حبس غیرقانونی، ضرب و جرح، ایراد جرح با چاقو که جرم خاصی است و مجازات ضرب و حرج را تشدید می‌کند، را تشکیل می‌دهد. همین‌طور سوزندان این زن و ترک فعل به صورت ندادن غذا به بچه‌ها و ممانعت کردن از تحصیل دختر هشت ساله‌اش که به دادگاه اعلام می‌شود و بازپرسی تصمیم می‌گیرد که چه قراری را در این زمینه صادر کند.

پرونده اعظم، زخم پنهانی که سر باز کرد

محبی می‌گوید: پرونده اعظم در فضای عمومی حساسیت بالایی ایجاد کرده است، در واقع جامعه این زخم را دید و ما این درد و پیکر جامعه را نمایان کردیم. این موارد در طی تاریخ و همه جوامع وجود داشته و همیشه هست و جامعه مدنی همیشه سعی بر این دارد که موضوع را نبینند. تاکنون نیز راه درمانی برایش وجود نداشته است. در مقررات ما هیچ مجازاتی برای مترکبین خشـونتی به‌طور خاص وجود ندارد و افراد خاطی با همین مجازات‌های عامی که مشمول همه مرتکبین چنین جرایمی هستند محاکمه می‌شوند؛ در صورتی که در تمام کشورها، خشونت جنسیتی جرمی جداگانه محسوب می‌شود و مجازات خاص خود را دارد. همچنین سیاست کیفری مبتنی بر این است که با در نظر گرفتن مجازات‌های خاص برای این جرایم در جهت کاستن آن حرکت کنند.

کودکان بی‌گناه اعظم فداییان این کابوس شوم

این حقوقدان فعال مدنی با ابراز خوشحالی از مشارکت و حمایت مردم، مسوولان و سـازمان‌های مردم‌نهاد در رابطه با موضوع اعظم و دخترانش و بی‌بدیل بودن این پی‌گیری‌ها عنوان می‌کند: خوشبختانه جامعه نسبت به این قضیه حساس شد و معاون محترم امور زنان در ریاست جمهوری در همین چند روز، در ادامه تلاش‌های قبلیشان؛ باز هم سعی کردند که لایحه امنیت زنان را به مجلس ببرند. لایحه‌ای که سال‌ها است نوشته شده اما با موانع بسیاری روبه‌رو بوده است. این است که امیدواریم اثر این حادثه، که طی آن دو کودک بی‌گناه و بی پناه فدا شدند و دچار کابوسی شدند که همه عمر آنها را تعقیب خواهد کرد، درسی باشد تا این اتفاق تکرار نشود.

دولت و ارکان قضایی مسوول جبران بزه‌دیدگان این حادثه

وی می افزاید: جامعه هم روی این مساله حساس شد و امیدواریم که جامعه مدنی راجع به این پدیده اقدامات لازم را انجام دهد و در این رابطه سکوت نکند. متاسفانه این اتفاق فقط متوجه دولت اسـت و دولت و ارکان قضایی در این زمینه مسـوول هسـتند؛ که آسیب‌هایی که بزه دیده با آن مواجه شده جبران شود. سیاست مدرن کیفری که در همه دنیا گرایش جدی به آن دیده می‌شود، این است که رسیدگی‌های کیفری به سمت توافقی شدن بروند و هدف اصلی رسیدگی کیفری رفع اثر بر جرم از بزدیده و جامعه مدنی و جبران خسارات بزه‌دیده باشد. مجازات بزهکار اگر بنابراین باشد که فرآیند کیفری به سمت بزه‌دیده برود و سمت بازگرداندن بزهکار به جامعه شود، بی‌تردید مشارکت جامعه مدنی و بزهکار و بزه‌دیده در این امر باعث خواهد شد که کنترلی اجتماعی بر این قضیه صورت گیرد.

حمایت از اعظم رسالت زنان حقوق‌دان

کانون زنان حقوق‌دان سورا سازمانی مردم‌نهاد است که عمده فعالیتش حقوق زنان است. امور حقوقی و وکالت زنان آسیب دیده و بزه‌دیده را انجام می‌دهد. محبی در این رابطه ادامه می‌دهد: حمایت از اعظم همان رسالت ما است. خانم سلجوقی مدیرکل زنان اسـتدانداری استان خراسان، به شدت پیگیر موضوع ایشان است و بهزیستی از اعظم و فرزندانـش در خانه‌ای امن حمایت می‌کند. نقطه مثبت این ماجرا، این بود که ما داریم همکاری و مشارکت همه ارکان جامعه را در حمایت از این زن مشاهده می‌کنیم. همه مسوولین در حال تلاش هستند که مشکل این زن حل به امید تکرار نشدن آن، حل شود.

تاثیر محیط زندگی بر روی سکوت زنان در مقابل چنین اتفاقاتی چیست؟

در قانون‌گذاری جدید برای تغییر حقوق زن تغییراتی می‌توان اعمال کرد؟

ناچاری‌های اعظم ریشه در چه چیزهایی دارد؟

وظیفه حفظ و تامین امنیت مردم با حاکمیت است

وظیفه جامعه حقوقی، ارتقای سطح آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی است؛ که سال‌ها است به دست فراموشی سپرده شده است.

گفت‌وگویـی نیز با دکتر محسـن طاهـری جبلی مدرس دانشگاه و جرم‌شناس داشتیم که تفصیل آن پیش‌رویتان است. هـر از گاهی در جامعه ما خبری پخش می‌شـود که در ابعاد حقوق جنایی و جزایی مردم بسیار وجدان عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود که به شرایطی به وجود بیاید که رسانه‌ای می‌شود و گاه به تلویزیون هم می‌رسد که بهتر است پیگیری‌ها از سوی رسانه بیشتر باشد. عموما بعد خبری آن پررنگ است و بعد انسانی قضیه، وجدان‌های عمومی را ناراحت می‌کند و از طرف دیگر تصمیمات انسانی هستند که به خاطر همین احساسی بودن، به سرعت فراموش می‌شـوند و مراجع ذی‌ربط با این اسـتدلال که این امر، مساله‌ای احساسی است، بازخورد لازم را از آن نمی‌گیرند.

تحلیل‌های جرم‌شناسانه جنایات راهی برای پیشگیری از تکرار

برای آنکه تحقق چنین موضوعی را مقدمه‌ای برای پیشگیری از اتفاق‌های مشابه قرار دهیم، تحلیل جرم‌شناسانه اتفاق، ضروری است؛ که وقتی این اتفاق نمی‌افتد در همان لحظه هیجانات بالا می‌گیرد و یکسری اقدامات ژورنالیستی نه تنها فقط توسط جراید، بلکه توسط مسوولین هم صورت می‌گیرد، اما بعد از گذشتن چند روز این موضوع به فراموشی سپرده می‌شود. بدتر آن است که چون مردم با این موضوع در رنج بودند و شوک شدند، دفعه بعد که این قبیل اتفاقات رخ دهد، ناراحتی لازم را نمی‌بینیم، حتی می توان گفت مردم هم دیگر واکنش نشان نمی‌دهند.

جرم یک پدیده اجتماعی طبیعی

در همه جوامع اتفاقات تکان دهنده، جرم و جنایت هستند. دورکیم به این معتقد است که جرم یک پدیده اجتماعی طبیعی است، یکی از اجزای جامعه است و نباید درصدد حذف آن باشیم. اینکه یک پدیده اجتماعی است، ما را بر این مبنا و مدار قرار می‌دهد که راجع به این پدیده اجتماعی؛ اجتماعی بیندیشیم. از طرف دیگر چون جرم اسـت، باید به آن دیدگاهی قضایی و حقوقی داشته باشیم. اولین چیزی که در بعد حقوقی و قضایی آن مطرح می‌شود، این است که می گویند ما مقررات کافی و حمایتی نداریم و آنچه موجود است، کامل اجرا نمی‌شود و در گیرودار مقتضیات مختلف، ممکن است از مفاهیم آنچنان که دلخواهمان است برداشت نشود.

وجود قوانین بازدارنده زمینه‌ساز ارتکاب جرم

یک جرم‌شـناس روی علت‌شناسی این موضوع کار می‌کند که نیازمند تحقیق و اطلاعات کافی است. این اتفاق دل همه را به درد آورده و جرم است و خلاف مقررات و کرامت انسانی است، چرا با وجود این همه ضدیت اتفاق می‌افتد؟ و چرا هر از گاهی این موارد را شاهد هستیم و با اینکه به هم شباهت دارند، از وقوع آنها جلوگیری نمی‌شود؟ سمیه و شاهرخ، خفاش شب، محمد بیجه، غلامرضا خوشرو و مسایل اسیدپاشی و غیره؛ مواردی هستند که در گذشته دیده شده است. از بعد قانونی؛ قضیه این است که یک نفر مرتکب جرم شده و هنگامی که جویای علت انجام آن می‌شویم، می‌بینیم که اتکایی به یکسری قوانین دارد. وجود قوانین بازدارنده‌ای است که برخی از اعمال را جرم محسوب می‌کند، اما در جلوگیری از آن موفق نبوده است. قوانین موجود نتوانسته برای این بازدارنده باشد، چرا که قوانین موجود ضرب و جرح را جرم محسوب می‌کند.

آیا این مرد توانایی انجام این کارها با همردیفانش را داشت؟

این مساله رویکردی عمومی دارد. اگر دو نفر در خیابان با یکدیگر دعوا و ضرب و جرح کنند، این عمل مستوجب قانونی می‌شود. قوانین ما می‌گوید، این مرد همان‌گونه مجازات می‌شود که افراد درگیر در خیابان مجازات می‌شوند. با این تفاوت که افرادی که در انظار عمومی با یکدیگر درگیر می‌شوند، ناظران و شاهدانی دارند و با همردیفان خود درگیر شده‌اند، اما این زن در منزلی با در بسته و تنها با این رفتار همسرش روبه‌رو می‌شـود، قانون می‌خواهد فقره‌های ضرب و جرح را اعلام کند. مسـلما این قوانین بازدارنده نیست. در مواردی از این قبیل، باید قوانینی متناسب با این‌گونه خشونت‌ها داشته باشیم. اولین موضوع؛ فقر قوانین حمایتی از خانواده اعم از زن و فرزندان است.

چرا اعظم سکوت کرد؟

اعظم چرا هیچ کس را از وضعیت زندگی‌اش مطلع نکرده اسـت؟ یکی اینکه باید گفت آگاهی داشت، ولی فکر می‌کرد که قوانین از او حمایت نمی‌کنند و درست فکر می‌کرد؛ چون قوانین ما قوانین ژنرال هستند و ضرب، جرح، آسیب روی بدن و غیره را مدنظر قرار می‌دهند. این مساله خاصی است و حمایت از زنان و کودکان را می‌طلبد. این پدر، فکِ دختر خود را شکسته و مانع مدرسه رفتن او شده است، اگر مطابق قانون عمل شود برای این پدر دیه صادر می‌شود و چون پدر این کودک است، می‌تواند چنین کار انجام دهد. درست است که به فرموده حضرت علی (ع)، پدر بر فرزند ولایت دارد، اما این ولایت در حدی نیست که به فرزند آسیب‌های جدی وارد شود و از حق درس خواندن این کودک ممانعت شود. این مساله نیازمند قانون‌گذاری است.

وظیفه کیست که زنان را از حقوقشان آگاه کند؟

فرض دوم اینکه اعظم در این رابطه ناآگاهی داشته، وظیفه کیست که به زنان آگاهی دهد؟ رسانه باید به او آگاهی دهد. وظیفه تلویزیون که یک رسانه ملی است، آگاهی‌رسانی در مورد آموزش عمومی است. یعنی رسانه‌های ملی ما قادر به ساخت برنامه‌های عامیانه برای آموزش درست نیست؟ من به عنوان یک معلم این را عرض می‌کنم. برنامه‌هایی که ساخته می‌شود، با هدف آموزش‌دهی نیست و برنامه‌هایی هم که با هدف آموزشی ساخته می‌شوند، آموزش غلط می‌دهند. برنامه باید جامع باشد، که رسانه‌ها مسوولیت آن را به عهده بگیرند. بحث قانون‌گذاری و بعد آموزش این مقرراتی که وجود دارد.

چرا برادر اعظم به دادش نرسید؟

چرا که برادرش واکنش نشـان نداد؟ شـاید برادرش می‌ترسید، شاید به این فکر می‌کرد که شکایتش راه به جایی نخواهد برد. شاید از انگ زدن آن مرد، به خواهرش می‌ترسید. از برادر یک فرد نمی‌توان انتظار حمایت داشت، بلکه این دستگاه قضا است که باید این کار را انجام دهد. برادرش اصلا اجازه این کار را ندارد. فردی که به برادرش خبر داد می‌توانست به پلیس خبر دهد، اما باید این را هم در نظر داشت که اختیارات قانونی و پلیس در چه حد و اندازه‌ای است؟صوراسرافیل می‌گوید: طبق صحبت‌هایی که با دکتر یوسف‌پور داشتیم، مشخص شد که اقدامات لازم در زمینه کمک به اعظم و کودکانش، توسط مسوولان ذیربط به موقع انجام شده است.

گاهی مواقع قوانین جرم‌زا می‌شوند

اگر مردی زنش را در فراش با دیگری ببیند، می‌تواند او را به قتل برساند. این قانون ظاهرا ایرادی ندارد. اما من معتقدم که بر این قانون ایراد مترتب است. اگر به یک شخص اتهامی را نسبت دهم و آن را به شکایت برسانم، پلیس طبق قانون نمی‌تواند، اقدام کند. الان در صلاحیت دادگاه کیفری یک است که در خصوص جرایم راجع به منافی عفت رسیدگی کند، عالی‌ترین قاضی و دادگاه در نظر گرفته شده است. رای که صادر می‌کند قابلیت تجدیدنظر خواهی دارد، که این رای به دیوان عالی کشور می‌رود و در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود. گرچه این مرد تحت‌تاثیر مواد مخدر بوده، اما به زنش گفته که تو با مرد دیگری ارتباط داشتی، دو فرض وجود دارد؛ یا این موضوع صحت دارد یا خیر؛ که اگر چنین چیزی بوده، این زن محاکمه خواهد شـد. اموری هستند که باید مورد بازبینی قرار گیرند. مرد می‌تواند بگوید: من تو را با این عنوان می‌کشم که با یکی در ارتباط بودی. وجود یک قانون زمینه‌سـاز این می‌شـود که شوهر یک فرد به خود اجازه می‌دهد، تا چنین عملی را انجام دهد. بنابراین نباید فکر کنیم که همه مواد قانونی می‌تواند کمک‌کننده باشـد. برای پیشگیری از جرایم، بعضی مواقع قوانین خودشان جرم‌زا هستند. وجود قوانین نامناسب و فقر وجودی قوانین حمایتی است.

سرعت ارزش بیشتری از مجازات‌های سنگین دارد

فرض که، این موضوع را از جانب بعد قضایی نگاه کنیم، یک قاضی چه قدر اختیارات دارد و از اختیاراتی که دارد تا چه اندازه استفاده می‌کند و چه آرایی صادر می‌کند؟

این موضوع باید از چند جهت بررسـی شود، یکی اینکه سرعت از اهمیت بالایی برخوردار است و این مساله بیست و یک روز در حال وقوع بوده است. چرا نباید امکانی وجود داشته باشد که دیگران از این موضوع مطلع شوند؟ وقتی مجازات زیاد باشد و فاصله بیفتد، سرعت نجات دهنده خواهد بود. بکاریا می‌گوید سرعت رسیدگی ارزش بیشتری از مجازات‌های سنگین دارد. این شجاعت قاضی است که از امکاناتی که در اختیار دارد استفاده کند.

قاضی از قانون اقدامات تامینی و تربیتی استفاده کند

خواهر این مرد از ترس اینکه برادرش دارای تعادل روانی نیست، اسم خود را نمی‌گوید و ممکن اسـت، این فرد را به قتل برسـاند. قوانینی داریم به‌نام قانون اقدامات تامینی و تربیتی که لااقل پنجاه سال از تصویب آن می‌گذرد. قاضی برای پیشگیر از چنین مسایلی باید از آن استفاده کند. آسیب‌های متعدد عمدی جسمانی، حبس کودکان و تهدید پدر و مادر و ارسال چاقو برای خانواده‌اش چرا نباید جدی تلقی شود، که این نشان از ضعف عملکرد دستگاه قضایی دارد. این زن سابق بر این شکایت کرده بود و آن را پس گرفته و بچه‌ها هم تحت ولایت پدرشان هستند و همه اینها به فراموشی سپرده می‌شود.

دادستان یعنی کسی که داد مردم را می‌ستاند

نام دادسـتان در قدیم مدعی‌العموم بود، یعنی کسـی که داد مردم را می‌سـتاند. مدعی‌العموم وظیفه دارد که به دنبال این قضیه باشد و با در دست داشتن سه گواهی پزشکی قانونی در دستان این زن، به حمایت از او بپردازد. قدرت و سرعت در رسیدگی را باید مد نظر قرار داد. به عنوان یک معلم عرض می‌کنم، یک قاضی حتی زمانی که یک نفر به او مراجعه هم نمی‌کند، باید از افراد حمایت کند.

ضرورت وجود قوانین حمایت از اطفال

در پیشنویس قانون، حمایت از خانواده با خروجی آن کاملا متفاوت بود. ضرورت وجود قوانین حمایتی از اطفال که نه درک کامل دارند و نه سواد کافی، نه شعور کامل و قدرت جسمانی؛ بسیار جدی و حتمی و قطعی است. باید به بچه‌ها، با دیدگاهی انسانی و الهی نگاه کنیم و باید مورد حمایت‌های قانونی قرار گیرند. این کودکان ۲۱ روز غذا نخوردند. باید مورد حمایت‌های قانونی و قضایی قرار گیرند.

مدل شهرسازی می‌تواند جرم‌آفرین باشد

بروز این عوامل، بی‌برنامگی در حاشیه‌نشینی و بحث بی‌برنامگی در شهرسازی را نیز دربر می‌گیرد. باید در شهرها شهرکی با فاصله و امکانات رسیدگی ساخته شود. شـهری مثل تهران که از شـمال و جنوب و شـرق و غرب به همه جا وصل اسـت؛ تئوری‌های جرم‌شناسی را تداعی می‌کند. تمرکز جرم‌شناسی روی مدل شهر است. مدل شهرسازی می‌تواند جرم‌آفرین و یا بازدارنده از جرم باشد. وقتی تردد زیاد شود برخوردهایی هم ایجاد می‌شود که این برخوردها به دنبال خود جرم‌هایی نیز خواهند داشت. برای اینکه ما در شهرسازی برنامه‌ریزی نمی‌کنیم.

در کشور ما خدمات اجتماعی ضعیف عمل می‌کنند

وقتی که انبوه جمعیت بدون مسایل رفاهی و آموزشی و فرهنگی در یک جا قرار دارند، چنین مسایلی هم رخ می‌دهند. این خانم دیپلم علوم انسانی دارد، اگر در آن محله فرهنگسرایی قرار داشت که می‌توانست با مراجعه به آنجا مشکل خود را عنوان کند و اعضای آن سـازمان گوش به زنگ این موضوع بودند، تا بعد از مدتی مراجعه نکردن اعظم، پیگیر شـوند. خدمات اجتماعی وقتی ضعیف عمل می‌کنند و وقتی مقرراتی نداریم، که به سازمان‌های مردم نهاد این اجازه را نمی‌دهد که مداخله داشته باشند، چنین مواردی به وفور دیده می‌شود.

برخی مناطق استعداد ارتکاب جرم را بالا می‌برند

برخی مناطق اسـتعداد ارتکاب جرم را بالا می برند. برنامه‌ریزی برای عقیم‌سازی چنین محل‌هایی یک موضوع اسـت؛ که و باید بررسی شود تا به چه مراکز و نهادی سپرده شوند، یکی دیگر اینکه راهکارهایی را برای تقویت و بالابردن سطح سواد افراد ایجاد کنیم. در بدترین حالت ممکن این را در نظر بگیریم که همسر این مرد زن بدی اسـت، پدر و خواهر و برادر و فرزندانش چه مشکلی دارند که با آنها اینگونه برخورد می‌کند؟ بنابراین این آدم مشـکل دارد. باید دید که در مقابل چنین افرادی چه قدر مطالعه می‌کنیم و تا چه اندازه روی آنها کار می‌کنیم و باید دید که در زندان یا این افراد چگونه برخورد می‌شود؟ آیا زندان ما جایی برای از بین بردن زمینه‌های منفی موجود در این فرد است؟ بنابراین در مورد این مرد هم هیچ کاری نکردیم و در مورد این بزهکار هم، بعد از ۱۰ یا ۱۵ سال همین خطرات وجود دارد.

ادامه در صفحه ۵